

# تہذیب و تہذیب



انجمن آنتی شبہات

## فردریش ویلهلم نیچه

(به آلمانی: Friedrich Wilhelm Nietzsche)

(زاده ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ - درگذشته ۲۵ اوت ۱۹۰۰)

فیلسوف، شاعر، منتقد فرهنگی، آهنگساز و فیلولوژیست کلاسیک بزرگ آلمانی و استاد لاتین و یونانی بود که آثارش تأثیری عمیق بر فلسفه غرب و تاریخ اندیشه مدرن بر جای گذاشته است.[۱]

نوشته‌های نیچه توجه انسان‌های بسیاری را به خود جلب کرده است، بخشی از این نوشته‌ها در خصوص دین اسلام و فرهنگ مسلمانان اندلس اسلامی می‌باشند.

آثار نیچه خواندگانی از اقصی نقاط دنیا دارد.


و منتقدان و صاحب نظران بسیاری به نقد و بررسی اندیشه‌ها و سخنان نیچه پرداخته‌اند.

از آنجا که اندیشه‌ها و نوشته‌های نیچه بسیار تاثیرگذار بوده‌اند و می‌باشند، بررسی دیدگاه نیچه در خصوص دین اسلام پر اهمیت می‌باشد.

هدف بنده نمایان ساختن نظر نیچه در خصوص دین اسلام و فرهنگ اسلامی می‌باشد.

عموماً نیچه به عنوان شخصی ضد دین شناخته می‌شود، بسیاری از افراد نیچه را از سرآمدان دین‌ستیزان بی‌خدا می‌دانند.

اما با مطالعه دقیق آثار نیچه مشخص می‌شود که وی دیدی مثبت به دین اسلام و فرهنگ اسلامی داشته است.

زمانی که نیچه به مطالعه و بررسی تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی می‌پردازد، علاقه بسیاری به این فرهنگ پیدا کرده و جذب آن می‌شود، تا جایی که تحت تاثیر فرهنگ اندلس اسلامی به نوشتن کتاب مشهور خود به نام  ((حکمت شادان))

می‌پردازد. [۲]

و می‌خواهد عازم تونس شود تا مدتی در میان مسلمانان زندگی کند. [۳]





نیچه شخصی آگاه به تاریخ تمدن مسلمانان بوده و به خوبی عظمت این تمدن را درک کرده است.

به همین دلیل است که وی تمدن اسلامی را از تمدن‌های برتر تاریخ بشریت شمرده و حتی آن را برتر از تمدن یونان و روم باستان می‌داند و فرهنگ و تمدن اروپای قرن نوزدهم را در مقابل آن بس فقیر و عقب‌مانده می‌نامد. [۴]

وی دین اسلام را دینی مردانه و در پی تحقق غرایز مردانه معرفی می‌کند. [۵]

مرد در آثار نیچه سمبل ژرف‌نگری است. [۶]

او غرایز مردانه را غرایز پاک‌نهاد و سمبل پاکی‌ها، نیکی‌ها و درست‌ی‌ها می‌داند. [۷]

ابراسان نیچه مرد است [۸]. مرد در نگاه نیچه عمق و ژرف [۹]. و دین اسلام دین مردان. [۱۰]

همچنین مرد نماد فرهنگ مورد تحسین و ستایش نیچه است، یعنی فرهنگ هلنی یونان باستان. [۱۱]

هرکس که حتی آشنایی اندک با آثار نیچه داشته باشد از علاقه بالای نیچه به دو دنیای باستانی یونان و روم آگاه می‌باشد. [۱۲]

زیرا که آثار او مملو از ستایش و

تحسین تمدن یونان و روم باستان است.

اگر این سخن نیچه که تمدن اندلس اسلامی ((حتی از روم و یونان باستان نیز مفهوم و سلیقه‌ای برتر داشت.)) [۱۳] را نیز به معادله بیافزاییم، میزان تحسین و ستایش نیچه از فرهنگ اسلامی و دین اسلام و علاقه وی به تمدن اسلامی آشکار می‌شود.

علاوه بر این‌ها، در نظر نیچه حکومت و فرهنگ والا و آرمانی حکومت و فرهنگ حاکمان و سروران است، نه بردگان. [۱۴]

و دین اسلام دینی مثبت و مطابق با فرهنگ حاکمان. [۱۵]



و نیچه حاکم سیسیل فردریک دوم را به دلیل توجه و دید مثبتی که به دین اسلام و حکومت اسلامی داشته است مورد ستایش بسیار قرار می‌دهد. [۱۶]

در نتیجه؛ سعی شد به شکل مختصر و مفیدی دیدگاه نیچه در خصوص دین اسلام و فرهنگ اسلامی بیان شود، مشاهده کردیم که برخلاف تصور غالب، دین اسلام و فرهنگ اسلامی، دین و فرهنگی مورد ستایش و تحسین نیچه می‌باشد.

در پایان به نقل بخشی از نوشته‌های نیچه در خصوص دین اسلام و تمدن اسلامی می‌پردازم:

(( نخستین دستور سران مسیحیت پس از بیرون راندن مسلمانان از قرطبه آن بود که دویست و هفتاد حمام عمومی این شهر را بیندند. )) [۱۷]

(( اگر فکر کنیم که رهبران جنبش مسیحی به نوعی کم خردی دچار بوده‌اند، فقط خویشان را فریفته‌ایم، زیرا این آباء کلیسا بس هوشمند و حتی تا سرحد قداست باهوش‌اند! نقص آنان در امری دیگر است. طبیعت در باب آنان اهمال کرده و از یاد برده است که از آن هدیه‌ی نیک غریزه‌های پسندیده، درست و پاک به آنان ذره‌ای را اعطا کند... بین خودمان بماند، اینان حتی مرد هم نیستند... اگر اسلام مسیحیت را تحقیر می‌کند، هزاران بار حق

دارد، زیرا شرط تحقق دین اسلام وجود مردان است.)) [۱۸]

(( مسیحیت ثمره‌ی فرهنگ باستان را از ما ستاند و بعدها نیز بار دیگر با ثمره‌ی فرهنگ اسلامی چنین کرد. آن عالم فرهنگ شگفت‌انگیزتر اعراب اسپانیا را که با ما در اصل خویشاوند بود و حتی از روم و یونان باستان نیز مفهوم و سلیقه‌ای برتر داشت، لگدمال کردند (نمی‌خواهم بگویم که با چه پاهایی)، چرا؟ چون این فرهنگ ناب بود، چون پیدایش آنان مرهون غریزه‌های مردانه بود، چون زندگی را با همان ارزشمندی‌های نادر و بس پخته‌ی زندگی اعراب اسپانیا تایید می‌کرد!... جنگجویان صلیبی بعدها به ستیزه با امری پرداختند که





بهرتر بود به پایش روی در خاک می‌کشیدند، یعنی همان فرهنگی که در برابر آن، فرهنگ قرن نوزدهم ما بس فقیرانه و بس ((عقب‌مانده)) بود. مسلماً آنان در فکر غنیمت بودند و مشرق زمین نیز بس ثروتمند بود... ولی هیچ‌کس به هیچ اصلی پاییند نبود! جنگ‌های صلیبی همان دزدی دریایی بود و دیگر هیچ! اشراف آلمانی، یعنی همان اشراف وایکینگ‌ها نیز در کُنه وجود خویش چنین حسی داشتند و کلیسا به خوبی می‌دانست چگونه اشراف آلمانی را به خدمت خود درآورد... اشراف زاده‌ی آلمانی ((غلام)) کلیسا و پیوسته در خدمت گرایز پست کلیسا بود، اما مزدی خوب می‌گرفت... یعنی کلیسا دقیقاً به یاری شمشیرهای آلمانی،

خون و دلاوری آلمانی‌ها با خصم نهایی خویش، یعنی همه‌ی امور پاک بر این کره‌ی خاک جنگید! در این زمینه پرسش‌های هراس‌برانگیز فراوانی وجود دارد. اشراف زاده‌ی آلمانی اصلاً در تاریخ و فرهنگ متعالی وجود ندارد و شک نیست که می‌توانیم علت آن را حدس بزنیم... مسیحیت و الکل، هر دو بزرگ‌ترین ابزار تباهی است... در اصل در مواجهه‌ی اسلام و مسیحیت و عرب و یهودی هیچ راه دیگری وجود ندارد. تصمیم را گرفته‌اند، هیچ‌کس آزادی انتخاب ندارد. یا فرد نجس است و یا نیست... ((جنگ سخت با روم! و صلح و دوستی با اسلام!)) این همان احساس و کردار آن جان آزاده‌ی سترگ، آن نابغه‌ی امپراتوران آلمان،

یعنی فردریش دوم بود. چه شد؟ آیا چاره‌ای جز این نیست که هر فرد آلمانی ابتدا نابغه و آزاده جان باشد تا بتواند رفتاری صادقانه نشان دهد؟ برای من درک ناپذیر است که آلمانی‌ها چگونه توانسته‌اند احساس مسیحی را دریابند...)) [۱۹]

(( مسیحیت در مورد برداشت فرهنگ باستان سر ما کلاه گذاشت و دیرتر در مورد فرهنگ اسلام همین کلاه را دوباره بر سر ما گذاشت. دنیای فوق العاده فرهنگ مورها (آفریقایی‌های شمالی) Moorish اسپانیا که از رُم و یونان، به راستی به ما نزدیک‌تر است و تجانس بیشتری با حس‌ها و سلیقه‌های ما دارد، لگدکوب شد (نمی‌گویم با چه نوع پاهایی). چرا؟ زیرا سرچشمه خود را مدیون



غرایز پاكنهاده، مردانه بود، زیرا حتی به عشرت طلبی‌های نادر و ظریف مورها به زندگی آری می‌گفت.

دیرتر جهادگران با چیزی جنگیدند که قبلاً ممکن بود در مقابلش به خاک بیفتند - فرهنگی که حتی فرهنگ سده نوزدهم ما در مقایسه با آن بسیار بی‌مایه، «دیر» احساس می‌شود. شکی نیست که آنها می‌خواستند تاراج کنند؛ مشرق زمین غنی بود. نباید زیاد تعصب داشت. جنگ‌های صلیبی - دزدی والامنشانه، و نه هیچ چیز دیگر! پاكنهادهی آلمانی، در اصل پاكنهادهی وایکینگی، در اینجا در پوست واقعی خود بود: کلیسا خیلی خوب می‌دانست جلب پاكنهادهی آلمانی چه مزیتی خواهد

داشت. پاكنهادهی آلمانی، «پاسدار سوئیسی» همیشگی کلیسا، همواره در خدمت تمامی غرایز بد کلیسا - اما با حقوق خوب. اینکه کلیسا باید از شمشیر آلمانی، خون و دلاوری آلمانی استفاده می‌کرد تا بر ضد هر چیز پاكنهادهی بر روی کره خاکی تا سرحد مرگ اعلام جنگ کند! در اینجا پرسش‌های دردناک بسیاری وجود دارد. پاكنهادهی آلمانی کمابیش در تاریخ فرهنگ عالی‌تر، وجود ندارد: می‌توان دلایل آنرا حدس زد - مسیحیت، الکل، دو وسیله بزرگ فساد.

در واقع نباید لزومی به انتخاب میان مسیحیت و اسلام و به همان اندازه میان عرب و یهودی باشد. تصمیم از قبل روشن است؛ هیچ

کس آزاد نیست که انتخاب دیگری کند. یا آدمی از نجس‌ها هست یا نیست.

« جنگ پنهانی با رُم! صلح و دوستی با اسلام » - چنین احساس و عمل می‌کرد، آن روح آزاد و بزرگ، آن نابغه امپراطوران آلمان، فردریک دوم. چطور؟ آیا یک آلمانی باید نخست یک نابغه، روح آزاد باشد تا بتواند احساسات شرافتمندانه داشته باشد؟ من نمی‌فهمم چگونه یک آلمانی هرگز می‌تواند دارای احساسات مسیحی باشد. (( [۲۰]

نویسنده: یاسر قزل از انجمن آنتی شبهات

گرافیک: عبدالجبار





باغی در قرطبه اسلامی



نمایی از پل مشهور قرطبه اسلامی







۱. ویکی‌پدیای فارسی:

[https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%25D9%2581%25D8%25B1%25D-B%258C%25D8%25AF%25D8%25B1%25DB%258C%25D8%25B4\\_%25D9%2586%25DB%258C%25DA%2586%25D9%2587&ved=2ahUKewj9I\\_f\\_oPHjAhXoxcQBHSP4BZMQFjAee-gQIAhAB&usg=AOvVaw3x5dsDulu1RKQFP-WHE4mRD&cshid=1565203447417](https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%25D9%2581%25D8%25B1%25D-B%258C%25D8%25AF%25D8%25B1%25DB%258C%25D8%25B4_%25D9%2586%25DB%258C%25DA%2586%25D9%2587&ved=2ahUKewj9I_f_oPHjAhXoxcQBHSP4BZMQFjAee-gQIAhAB&usg=AOvVaw3x5dsDulu1RKQFP-WHE4mRD&cshid=1565203447417)



۲. حکمت شادان، فردریش نیچه، ترجمه‌ی جمال آل احمد، سعید کامران، حامد فولادوند، چاپ نهم، انتشارات جامی، ص ۹، ۱۰، ۱۱

۳.

حکمت شادان، فردریش نیچه، ترجمه‌ی جمال آل احمد، سعید کامران، حامد فولادوند، چاپ نهم، انتشارات جامی، ص ۹

۴.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم، انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۶۰

۵.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم، انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۵۹

۶.

اراده‌ی قدرت (۱-۲)، فردریش نیچه، ترجمه‌ی دکتر مجید شریف، چاپ هفتم، انتشارات جامی، ص ۱۳۹

۶.

چنین گفت زرتشت، فردریش نیچه، ترجمه‌ی داریوش آشوری، چاپ بیست و هشتم، موسسه‌ی انتشارات آگاه، ص ۷۹

۷.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم، انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۵۹

۸.

برگزیده آثار نیچه، والتر کوفمان، ترجمه‌ی رویا منجم، چاپ اول، انتشارات علم، ص ۳۵۲، گزیده‌گویی ۶۰

۸.

زن در تفکر نیچه، نوشین شاهنده،

چاپ دوم، انتشارات قصیده سرا،  
((زنانگی جاودان)) یا ذات‌گرایی  
زیست‌شناختی، ص ۹۵

۹.

چنین گفت زرتشت، فردریش نیچه،  
ترجمه‌ی داریوش آشوری، چاپ  
بیست و هشتم، موسسه‌ی انتشارات  
آگاه، ص ۷۹

۱۰.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی  
دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم،  
انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۵۹  
و

اراده‌ی قدرت(۱-۲)، فردریش نیچه،  
ترجمه‌ی دکتر مجید شریف، چاپ  
هفتم، انتشارات جامی، ص ۱۳۹

۱۱.

زن در تفکر نیچه، نوشین شاهنده،  
چاپ دوم، انتشارات قصیده سرا،  
مسیحیت و قیام اخلاقی بندگان،  
ص ۱۰۸

۱۲.

زن در تفکر نیچه، نوشین شاهنده،  
چاپ دوم، انتشارات قصیده سرا،  
مسیحیت و قیام اخلاقی بندگان،  
ص ۱۰۵

۱۳.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی  
دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم،  
انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۶۰

۱۴.

زن در تفکر نیچه، نوشین شاهنده،

چاپ دوم، انتشارات قصیده سرا،  
مسیحیت و قیام اخلاقی بندگان،  
ص ۱۰۵ و ۱۰۶

۱۵.

اراده‌ی قدرت(۱-۲)، فردریش نیچه،  
ترجمه‌ی دکتر مجید شریف، چاپ  
هفتم، انتشارات جامی، ص ۱۳۹

۱۶.

برگزیده آثار نیچه، والتر کوفمان،  
ترجمه‌ی رویا منجم، چاپ اول،  
انتشارات علم، ص ۳۵۳، گزیده‌گویی  
۶۰

و

حکمت شادان، فردریش نیچه،  
ترجمه‌ی جمال آل احمد، سعید  
کامران، حامد فولادوند، چاپ نهم،  
انتشارات جامی، ص ۱۲





انتشارات علم، ص ۳۵۳، گزیده‌گویی

۶۰

.. ..

(آنتی شبهاات)

[@anti\\_shobahaat](https://www.instagram.com/anti_shobahaat)

۱۷.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی  
دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم،  
انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۲۱

۱۸.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی  
دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم،  
انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۵۹

۱۹.

دجال، فردریش نیچه، ترجمه‌ی  
دکتر سعید فیروزآبادی، چاپ پنجم،  
انتشارات جامی، گزیده‌گویی ۶۰

۲۰.

برگزیده آثار نیچه، والتر کوفمان،  
ترجمه‌ی رویا منجم، چاپ اول،

